

# اعجاز الهی پشتوانهٔ قیام امام مهدی (ع)

گفتاری از آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری



اشاره:

آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری مؤسس و مسئول «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» است. این مرکز که در کمال ناباوری، بیش از سه چهار کارمند ندارد، سی سال است که به همت ایشان تشکیل شده و در زمینهٔ نشر احکام و آموزه‌های اسلام به زبان‌های مختلف، در سطح جهان فعالیت می‌کند. این مرکز تاکنون بیش از ده‌هزار نفر را به اسلام و مذهب جامع تشیع هدایت نموده است. آنچه می‌خوانید، گفتاری از ایشان در رابطه با امام عصر (ع) و قیام آن حضرت است که تقدیم حضورتان می‌گردد.

شرق، سقوط صدام و... چه کسی باور می‌کرد ابرقدرتی با داشتن بمب اتمی با آن وسعت و قدرت، صدام با آن حمایت‌های بین‌المللی از او سقوط کنند، عادی بود اما غیر قابل پیش‌بینی. چه کسی باور می‌کرد یک عده جوان شیعه در جنوب لبنان که نه پایگاهی در بین دولتمردان خود دارند و نه دارای حمایت خارجی هستند و از آن طرف همه دنیا به دشمنشان هر نوع کمک نظامی، تبلیغاتی و رسانه‌ای حتی همه کشورهای عربی بدشان نمی‌آمد که حزب‌الله سقوط کند. در چنین شرایطی ۳۳ روز مقاومت کنند و بعد هم پیروز شوند. این اتفاق عادی بود اما غیر قابل پیش‌بینی. بهترین نمونه همین انقلاب اسلامی ایران بود. عادی اما غیر قابل پیش‌بینی. این غیر قابل پیش‌بینی‌ها گاهی پشتوانه امداد الهی دارد، اما این امداد الهی در مجرای طبیعی و رابطه‌ی علی و معلولی حاکم بر جهان طبیعت اتفاق می‌افتد که ما هر یک به نوبه خود در زندگی فردی و اجتماعی، رخدادهای سیاسی و پدیده‌های طبیعی شاهد آن بوده‌ایم. تجلی این امداد در مقیاس بزرگ‌تر پیروزی انقلاب و مقاومت در برابر هجمه‌های بزرگ است.

اما منظور از [پدیده] غیر عادی، داشتن پشتوانه اعجاز است؛ رخدادهایی که گرچه این هم از نوع غیر قابل پیش‌بینی محسوب می‌شود و از این به بعد با اتفاقات عادی نوع دوم اشتراک دارد اما ماهیتاً متفاوت است یعنی خارج از اراده مجرای طبیعی و رابطه‌ی علی معلولی. درست مانند تفاوت عصای حضرت موسی (ع) با سحر ساحران، تفاوت زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) با معالجه بیماران توسط اطباء آن عصر و تفاوت قرآن کریم با کتاب‌های دیگر.

مسئله ظهور حضرت مهدی (ع) اتفاقی غیر عادی و از نوع اعجاز است، نه امداد. این اتفاق پشتوانه اعجاز دارد، همان گونه که بعثت پیامبر اسلام (ص) داشت. انقلاب اسلامی نیز پشتوانه امداد الهی داشت. چه کسی باور می‌کرد یک سید با دست خالی یکه و تنها قیام کند، در برابر دو ابر قدرت ایستادگی کند و بار دیگر نام و یاد خدا را در عرصه اجتماع و سیاست در کل جهان زنده کند. کسی باور نمی‌کرد اما پشتوانه او امداد بود؛ امداد الهی در مجرای طبیعی و رابطه‌ی علی و معلولی حاکم بر جهان طبیعت. چه کسی باور می‌کرد یتیمی با دست خالی به پا خیزد، ندای توحید را سر دهد، بیش از همه پیامبران الهی اذیت شود و همه موانع راه جهانی شدن دین اسلام تا آخرالزمان را بر دارد؟ این امر غیر عادی است و پشتوانه اعجاز دارد.

قیام حضرت مهدی (ع) و حکومت آن حضرت پشتوانه اعجاز دارد، یعنی از سنخ حرکت حرکت انبیا است. این قیام پشتوانه‌ای خارج از دایره رابطه علی و معلولی حاکم بر جهان طبیعت دارد. هم قرآن و سنت، هم عقل بر این امر مهر تأیید می‌زند. پشتوانه حرکت حضرت مهدی (ع) در همه مراحل پشتوانه اعجاز دارد؛ هم در تأسیس حکومت، هم در تثبیت آن و هم در گسترش حرکت توحیدی در جهان. و الا چگونه می‌شود ۳۱۳ نفر بدون پشتوانه اعجاز و تنها بر پایه رابطه علی و معلولی حاکم بر جهان طبیعت در زمانی کوتاه بر جهان حکمرانی کنند. اگر قرار باشد با سیر طبیعی باشد، حداقل باید این افراد در بین مردم از پیش شناخته شده، مقبولیت یافته، قدرت مدیریتی خود را به اثبات رسانده، بحران‌ها را مدیریت کرده، بتوانند در مقابل دشمن و حرکت‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی به پیروزی برسند. خوب این اقدامات زمان می‌خواهد، ابزار می‌خواهد، امکانات می‌خواهد. بنابراین در یک سیر طبیعی غیرممکن است که همه این اتفاقات در یک زمان کوتاه صورت بگیرد. پس حرکت حضرت مهدی (عج) بر خوردار از یک پشتوانه مستحکم و خلل‌ناپذیر به نام اعجاز، از نوع اعجاز پیامبران است.

متأسفانه «مسئله مهدویت» در طول تاریخ دستاویز حرکت‌های انحرافی شده و ما شاهد مدعیان دروغین زیادی بوده، هستیم و خواهیم بود. چون مسئله مهدویت یک جریان زنده تاریخ است. به همین خاطر، به همان اندازه که باید ترسیم شخصیت فردی و اجتماعی حضرت مهدی (ع) منطبق با قرآن و حدیث باشد، چگونگی تحصیل ظهور و نوع حکومت آن حضرت (ع) نیز باید داری چنین ویژگی باشد.

از برداشت‌های سلیقه‌ای و مغایر با قرآن و سنت باید پرهیز کرد اما این دلیل نمی‌شود که راه را برای ارائه تحلیل‌ها به خاطر زاویه دید آنها بست. هر چند اگر [سخنی] ارائه می‌شود نباید خارج از دایره قرآن و سنت یا در تعارض و تضاد با آنها باشد.

ظهور دارای علاماتی است: علائم حتمی و علائم غیر حتمی. در مسئله ظهور باید منتظر علامات حتمی که در روایات آمده و همه نسبت به آن اتفاق نظر دارند، بود نه علامات غیر حتمی، که امکان دارد در هر عصری تکرار شود. آنچه می‌خواهم عرض کنم در خصوص نوع ظهور حضرت (ع) و تفاوت آن با دیگر پدیده‌ها و اتفاقات تاریخی است. به زبان ساده‌تر پاسخ به این پرسش که ظهور و انقلاب حضرت ولی عصر (عج) از چه جنسی است؛ آیا مشابه آن در تاریخ وجود داشته است یا نه؟ اگر وجود داشته، در فهرست کدام خیزش‌ها و انقلاب‌ها و حرکت‌های تاریخ بشر می‌باشد؟

وقایع، دگرگونی‌ها، تحولات و انقلاب‌هایی که انسان‌ها از روز نخست تا به امروز با آن رو به رو بوده‌اند؛ مانند بعثت پیامبران الهی، حکمرانی زمامداران، جنگ‌ها و صلح‌ها، برخی از جمله بلایای طبیعی‌اند؛ همچون زلزله و سیل. این اتفاقات از دو حال بیرون نیست؛ یا این اتفاقات عادی بوده یا غیر عادی؛ اتفاقات عادی هم به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ قابل پیش‌بینی یا غیر قابل پیش‌بینی. ما در زندگی خود و در رخدادهای سیاسی و اجتماعی، بسته به معلوماتمان و پیشینه ذهنی که از رخدادهای مشابه داریم، برخی از این رخدادها و پدیده‌ها را از قبل پیش‌بینی می‌کنیم. مثلاً می‌دانیم زندگی بر روی یک گسل یا یک خط زلزله - مانند اندونزی - به هر حال زلزله‌ای در پی خواهد داشت. خراب شدن منازل عادی در یک زلزله شش ریشتری معمولی و عادی است و قابل پیش‌بینی یا شکست یک گردان پیاده نظام با سلاح‌های سبک و بدون سلاح‌های ضد زره در مقابل یک لشکر مکانیزه تانک در یک منطقه مسطح قابل پیش‌بینی است. به اصطلاح امروز به روی کاغذ شکست گردان پیاده نظام حتمی است، هم عادی و هم قابل پیش‌بینی. اما یکبار خانه‌های عادی در یک زلزله شش ریشتری خراب نمی‌شود یا یک گردان پیاده بر یک لشکر زرهی پیروز می‌شود باز هم عادی است اما غیر قابل پیش‌بینی. در همین زمان خودمان خیلی از چیزهای غیر قابل پیش‌بینی را دیدیم؛ فروپاشی ابرقدرت